

#### عنوان مقاله

### پیش بینی ناسازگاری زناشویی بر اساس تعارضات زناشویی در زنان در حال طلاق

نام و نام خانوادگی نویسنده مسئول: محمد دهقانی

کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه تهران جنوب

اداره آموزش پرورش شهرستان دلفان، دبستان شهید محمد کرمی

ادرس پست الکترونیک: MOHAMMAD1372@GMAIL.COM

شماره تماس: 09380216636

نام و نام خانوادگی نویسنده دوم: صبا کریمی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه رازی

آموزش و پرورش شهرستان دلفان، دبستان شهید کیانوش

شماره تماس: ۰۹۱۶۸۸۸۳۹۳

#### چکیده:

روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل زنان شاغل در حال طلاق شهر نورآباد تعداد ۳۲۰ نفر بوده که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان تعداد ۱۷۵ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس از بین مراکز مشاوره خانواده انتخاب شدند ابزار جمع‌آوری مقیاس ناسازگاری زناشویی اسپاینر (۱۹۷۶)، با تعارضات زناشویی ثنایی ذاکر و براتی (۱۳۸۷) استفاده شده است. نتایج تحقیق که با بکارگیری نرم‌افزار SPSS-26 و آزمونهای آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیری و ساده صورت پذیرفت نشان می‌دهد تعارضات زناشویی می‌توانند ناسازگاری زناشویی را در زنان شاغل در حال طلاق شهر نورآباد پیش‌بینی نمایند.

**واژگان کلیدی:** ناسازگاری زناشویی، تعارضات زناشویی، زنان شاغل، طلاق.

#### ۱- مقدمه:

##### ۱-۱: مقدمه

خانواده اصلی‌ترین شکل اجتماعی است. دستیابی به جامعه سالم در گرو سلامت خانواده و تحقق خانواده سالم مشروط به برخورداری افراد آن از سلامت روانی و داشتن ارتباط مطلوب با یکدیگر است، همچنین خانواده مهمترین عامل رشد شخصیت فرد است (سادوک، سادوک و کاپلان<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶).

<sup>1</sup>. Sadok, Sadok & Caplan

سازگاری زناشویی<sup>۲</sup> از مهمترین عوامل پیش‌بینی کننده صمیمیت یک رابطه عاشقانه و ثبات آن یا اختلاف زوجین و پایان رابطه زناشویی است. در واقع زوجین دارای سازگاری زناشویی بیشتر، در روابطشان ثبات بیشتری داشته و برای حل و فصل مشکلات و تعارضات زندگی مشترک خود بیشتر از دیگران، می‌کوشند. سازگاری زناشویی شامل ابعاد جسمی، جنسی و عاطفی است و با بهزیستی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رابطه دارد. سازگاری زناشویی با افزایش درگیری و اختلافات زوجین، همراه بوده و ممکن است نهایتاً به طلاق عاطفی یا جدایی آنان بینجامد(لطیفی، ۱۳۹۸).

#### ۲-۱: بیان مسأله

ازدواج پدیده‌ای مهم و ارزشمند در حیات انسان بوده و به عنوان یک نهاد اجتماعی است که ریشه و اساس روابط انسانی را شامل می‌شود. از طریق ازدواج مرد و زن به وسیله یک نیروی برگرفته از غرایز، محبت و عشق، جذب یکدیگر می‌شوند، آزادانه و کامل به یکدیگر متعهد شده تا واحد منسجمی را با نام خانواده پدید آورند. به همین علت، می‌توان گفت خانواده تنها نظام اجتماعی است که به طور قطعی و رسمی در تمامی جوامع پذیرفته شده است. خانواده محیطی امن، مقدس، پر از عشق و صمیمیت و به زیباترین تعبیر قرآنی(سوره روم، آیه ۲۱)، محل سکون و آرامش واقعی زن و مرد است.

مهمترین اصل در ازدواج، سازگاری زناشویی و توافق زوجین از ازدواج و تشکیل خانواده است. سازگاری زناشویی یکی از متغیرهایی است که با وسعت هر چه تمام‌تر در تحقیقات خانواده و زناشویی مورد توجه و تأمل واقع شده است. این متغیر با بسیاری از متغیرهای دیگر همچون رضایت، شادکامی، موفقیت و ثبات زناشویی در ارتباط تنگاتنگ است. در حالی که متغیرهای فوق هر کدام شامل تنها یک بعد از ازدواج هستند، سازگاری زناشویی یک متغیر چندبعدی است که در برگیرنده سطوح چندگانه ازدواج بوده و فرایندی است که در طول زندگی زوجین و به مرور زمان ایجاد می‌شود، چرا که لازمه آن تطبیق سلاقی، شناخت ویژگی‌های شخصیتی، ایجاد آداب رفتاری و پیدایش الگوهای ارتباطی است. به همین جهت سازگاری زناشویی یک فرایند تدریجی و تکاملی بین زوجین است و از عوامل تأثیرگذار بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها به شمار می‌رود(علی بکیان و افشاری نیا، ۱۳۹۹). در واقع سازگاری زناشویی ستون اصلی عملکرد مؤثر خانواده بوده و تأثیر والدینی را بهبود می‌بخشد، باعث افزایش طول عمر زوجین و افزایش سلامتی(آلن و دمبو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴)، افزایش توافق زندگی(نک<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵)، کاهش مشکلات روانی(هلن و سارا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵)، مدیریت بهتر تعارضات و افزایش مهارت‌های ارتباطی و حل مسأله می‌گردد(جانسون، کوهن و داویلا<sup>۶</sup>، ۲۰۱۸).

از متغیرهای به وجود آورنده ناسازگاری زناشویی، تعارضات زناشویی است که بر ناسازگاری زناشویی تأثیر داشته و باعث تضاد یا دوام زندگی

<sup>2</sup>. Marital Adjustment

<sup>3</sup>. Alan & Demo

<sup>4</sup>. Nock

<sup>5</sup>. Helene & Sara

<sup>6</sup>. Johnson, Cohan & Davila

زناشویی است (کودمیر و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۶). برخی از محققان معتقدند طلاق نتیجه نبود مهارت‌های حل اختلاف در زوجین است (حقیقی، ۱۳۹۷). وجود تعارضات در زندگی شخصی و اجتماعی، بخش لاینفک هستی انسانها است. تعارض قادر است بصورت مثبت به کیفیت روابط و هم به رشد تعارض بیانجامد. بدین ترتیب داشتن شیوه‌های حل تعارض منطقی، مانع مؤثری در برابر تعارض‌های منحل کننده خانواده است و حتی قادر است به حل بهتر مسائل پیش روی زوجین کمک کند (روحي، ۱۳۹۷). تعارض در زندگی زناشویی نیز امری گریزناپذیر است. درمانگران سیستمی، تعارضات زناشویی را کشمکش بر سر تصاحب پایگاه و منافع قدرت و حذف امتیازات دیگر می‌دانند. کنش و واکنش دو فرد که قادر نیستند مقصودشان را تفهیم نمایند (قلیلی، ۱۳۹۸). تلاش در جهت حل تعارض در بین زوجین، ظاهراً شامل گفتگوها و بحث‌های شدید بین همسران و همکاری فوق العاده زوجین در جهت کسب مجدد توافق زناشویی می‌باشد. هر یک از همسران تعهداتشان را با انجام چنین اموری به هنگام تعارض ابراز می‌دارند. افزایش احساسات و موقعیت، مصالحه و گفتگو در جهت کسب توافق مشترک، یکپارچه سازی عقاید و ابراز غم و همدلی به هنگام حل تعارض. این قبیل کارها باعث بهتر شدن درک زوجین از یکدیگر می‌شود و زوجین را در جهت بهبودی و عمیقتر شدن روابط و ابراز احساسات توانمند می‌سازند (روبرتز<sup>۸</sup>، ۲۰۱۷). با توجه به مطالب ارائه شده، منظور از انجام این پژوهش پاسخ به این سؤال است که آیا تعارضات زناشویی می‌توانند ناسازگاری زناشویی را در زنان شاغل در حال طلاق شهر نورآباد پیش‌بینی نمایند؟

### ۳-۱ : اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به تعداد بالای ناسازگاریهای زناشویی و نیز آمار طلاق و جدایی در بین زوجین که همگان شاهد آن هستیم، لزوم یافتن راههایی برای استحکام بنیان خانواده از اهم اموری است که در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای را در بین تحقیقات روانشناسی و مشاوره به سوی خود جلب کرده است. یافتن عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی از آن جهت مهم است که با شناخت این متغیرها، می‌توان به طرق ثبات زندگی زناشویی دست یافت. در حال حاضر یکی از بزرگترین معضلات اجتماعی در جوامع امروزی، تعارضات خانوادگی است؛ بنابراین، پرداختن به موضوع تعارضات زناشویی به منظور دست یافتن استراتژیهای پیشگیری، از مهمترین ملزومات آموزش‌های خانواده است.

با توجه به آمارهای بیان شده در مورد طلاق که بسیار تکان‌دهنده است، سازگاری زناشویی را می‌توان در زمره یکی از مهمترین عوامل مؤثر در ساختار خانواده دانست (قراچه و همکاران، ۱۳۹۰). سازگاری زناشویی باعث تحکمی بنیان خانواده می‌شود و کاهش آن، موجب افزایش اختلافات، و درگیریهای زوجین و آمار طلاق شده، و همین باعث افزایش ضرورت بررسی عوامل موجد ناسازگاری زناشویی زوجین را آشکار می‌سازد.

### ۴-۱ : تعریف سازگاری زناشویی

امروزه سازگاری زناشویی یکی از متغیرهایی است که به طور وسیع در مطالعات و تحقیقات خانواده استفاده می‌شود. این متغیر با بسیاری از

7. Kudmir et al

8. Roberts

متغیرهای دیگر همچون رضایت از زندگی، شادکامی، توفیق و ثبات و استحکام زناشویی مرتبط است. در حالیکه متغیرهای دیگر هر کدام تنها یک بعد از ازدواج را در بر می گیرند، سازگاری زناشویی یک متغیر چندبعدی است که پایه و اساس متغیرهای دیگر ازدواج را مشخص می کند و پروسه ای است که در طول زندگی مشترک به وجود می آید چرا که لازمه آن منطبق شدن سلاقی، شناخت ویژگی های طرف مقابل، ایجاد قوانین رفتاری و ایجاد الگوهای رابطه ای است، لذا سازگاری زناشویی یک پروسه تکاملی در بین زوجین است. در طول سالها از این مفهوم بدون یک تعریف مشترک و روشن بین محققان استفاده شده است. سازگاری زناشویی روشی است که افراد متأهل، به صورت فردی یا با در تعامل با هم، جهت متأهل ماندن با هم سازش می کنند، طوری که سازگاری یکی از مهمترین مشخصه ها در تعیین استحکام و تداوم زندگی زناشویی است (گلدنبرگ، ۲۰۱۶). کاترل (۱۹۳۳) سازگاری زناشویی را به صورت پروسه ای که زوجین سعی می کنند تا اشکال ارتباطی ویژه یا موقعیتی که در خانواده پدری خود کسب کرده اند، مجدداً پیاده کنند، تعریف می کند. سازگاری زناشویی به صورت یک ارتباط که بوسیله موارد زیر مشخص می شود، تعریف شده است:

(۱) اختلافات پر دردسر جفتی،

(۲) اضطراب دو طرفه و یکطرفه،

(۳) رضایت بین فردی،

(۴) همبستگی بین فردی،

(۵) سازش کلی دونفری بر روشهای مهم عملی (کمالی، ۱۳۹۸).

اسپایر و کل یک پرسشنامه برای اندازه گیری سازگاری دو زوجی ارائه کردند که می تواند برای زوجین متأهل و زوجین موقتی، مورد استفاده واقع شود. این مقیاس زیرمجموعه هایی دارد که چهار زیرگروه تأییدی اصلی را بررسی می کند:

(۱) توافق زوجی

(۲) سازش زوجی

(۳) یکپارچگی زوجی

(۴) لحن محبت آمیز.

سازگاری زناشویی بر بسیاری از ابعاد زندگی شخصی و جمعی انسانها تأثیرگذار است و به عنوان پایه و اساس عملکرد خوب خانواده بوده، تأثیر پدر و مادر را آسان می کند و موجب پیشرفت اقتصادی و توافق بیشتر از زندگی می شود. از سویی دیگر وجود ناسازگاری و اختلافات زناشویی در زوجین افزون بر ایجاد مشکل در زندگی، باعث اشکال در روابط اجتماعی، گرایش به ناهنجاریهای اجتماعی و اخلاقی و از بین رفتن ارزشهای فرهنگی در خانواده می شود. بر اساس نظریه هالفورد (۲۰۱۵) عوامل تأثیرگذار بر سازگاری زناشویی شامل ویژگیهای فردی، عوامل موقعیتی و رخدادهای زندگی است. همچنین مطابق نتیجه اساس تحقیقات گوناگون عواملی همچون فضای خانواده و سبکهای وابستگی (دیفلیو، ۲۰۱۷) بطور معنی دار و عواملی همچون تفکر غیرمنطقی و در خودفرورفتگی (بیچ والری، ۲۰۱۵) بطور منفی با سازگاری زناشویی مرتبط بوده اند (موسوی، ۱۳۹۹).

از مجموع تحقیقات انجام شده چنین بر می آید که رابطه زوجین با سازگاری مطلوب آن رابطه ای است که طرز تفکر و رفتار هر یک از زوجین،

محیطی را پدید آورد که در راستای عملکرد مطلوب ترکیب شخصیتی زن و شوهر، به ویژه در زمینه ارتباطات اولیه، ایده آل باشد. به همین منظور و با توجه به اهمیت و تأثیر سازگاری در روابط بین زن و شوهرها و ارتقاء مطلوبیت زندگی زناشویی، و از سوی دیگر با توجه به نتایج تحقیقات گوناگون در این رابطه، توجه و دقت به این متغیر در راستای کاهش اختلافات و افزایش توافق در روابط زوجین بیش از پیش احساس می شود (موسوی، ۱۳۹۹). به عبارت دیگر، سازگاری زناشویی تطبیق موقعیتی است که هست و وضعیتی که در انتظار آنیم. مطابق با این تعریف، سازگاری زناشویی زمانی پدید می آید که موقعیت فرد در رابطه زناشویی مطابق با آنچه که وی انتظار دارد باشد و ناسازگاری زمانی است که موقعیت موجود فرد در زمینه زناشویی با وضع مورد انتظار و دلخواهش تطبیق ندارد و متفاوت است (سلیمانیان، ۱۳۹۷).

در هر حال، اگر سازگاری زناشویی نتیجه تبادل رفتارهای پاداش برانگیز باشد، عدم سازگاری زمانی است که زوجین از مسأله‌ای در رنج باشند و عذاب بکشند. البته عقیده افراد در مورد اینکه چه کارهایی موجب سازی می شود با گذشت زمان و رشد طبیعی انسان عوض می شود. رابطه‌ای را که برای یک زوج در سن بیست و چند سالگی، مطلوب و ایده آل است ممکن است در چهل یا پنجا سالگی، با ورود سلاقی و مشاغل جدید در این خانواده چندان سازش پذیر و مطلوب نباشد. همچنین در یک زمان، یک فرد به عنوان بهترین نامزد تلقی شده، اما در زمان دیگر نامزدهایی زیباتر و بهتر سر راه او قرار گیرند، این رابطه دیگر رضایت بخش و ارضاکنده نخواهد بود. همچنین ممکن است با آغاز زندگی مشترک و دیدن خطاهای سرزده از زن یا شوهر در طول زندگی، از سازگاری طرفین کاسته شود (لطیفی، ۱۳۹۸).

#### ۱-۵: پیشینه تحقیق

#### ۱-۵-۱: تحقیقات داخلی

عمرانی، جمهری و احدی (۱۳۹۸) به پیش‌بینی سازش زناشویی بر اساس انتظارات زناشویی با تأثیر تعارض‌های زناشویی پرداختند. یافته‌ها نشان داد که مدل مناسب بوده و تأثیر انتظارات زناشویی بر تعارض‌های زناشویی و سازگاری زناشویی دانشجویان مستقیم و معنی‌دار بوده است. انتظارات زناشویی با میانجی تعارض زناشویی بر سازش زناشویی دانشجویان تأثیر غیرمستقیم و معنی‌داری گذاشته است. ضابطی و اشکانی (۱۳۹۶) به پیش‌بینی دلزدگی زناشویی زوجین بر مبنای تعارض زناشویی و سبک دلبستگی پرداختند. نتایج پژوهش حاضر بیانگر آنست که تعارض زناشویی به طور مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی کننده دلزدگی زناشویی زوجین بوده است. از بین سبک‌های دلبستگی، سبک اجتنابی و اضطرابی به صورت مثبت و معنی‌دار و سبک ایمن به صورت منفی و معنی‌دار پیش‌بینی کننده دلزدگی زناشویی زوجین بوده‌اند.

محبیان‌فر، فرجی‌پاک، رجنی و سیفی‌کردلر (۱۴۰۰) رابطه مثلث تاریک شخصیت و طرحواره ناسازگار با دلزدگی زناشویی را در دبیران متوسطه اول دزفول بررسی کردند. یافته‌ها بیان کردند رابطه بین مثلث تاریک شخصیت و طرحواره ناسازگار با دلزدگی زناشویی مثبت و معنی‌دار بوده است. حق‌نسب و پورفرخ (۱۳۹۹) رابطه ابعاد مثلث تاریک شخصیت و سبک‌های دلبستگی با دلزدگی زناشویی را بررسی کردند. نتایج نشان داد نمره مثلث تاریک شخصیت و ابعاد ماکولسم و ضداجتماعی جداگانه و هر سبک‌های دلبستگی قادرند پیش‌بینی کننده دلزدگی زناشویی باشند. بنابراین

رفتارهای نامطلوب اجتماعی می تواند باعث مثلث تاریک شخصیت و بروز بی مهری بین زوجین، افول صمیمیت و رضایت و مبدعی برای دزدگی باشد.

اسدپور، کریمی و امینی(۱۳۹۹) رابطه طرحواره های ناسازگار با تعارض و دزدگی زناشویی را در پرستاران زن به بوت آزمایش گذاشتند. یافته پژوهش نشان داد طرحواره های ناسازگار با تعارض و دزدگی زناشویی رابطه معنی دار داشته و آنها را پیش بینی کرده است.

هراتیان و همکاران(۱۳۹۹) به بررسی رابطه روان بنه های ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی و تعارض زناشویی، تأثیر دینداری پرداختند. نتایج، تأثیر کاهشی دینداری در رابطه نمره کل و مولفه های روان بنه های ناسازگار و نمره نهایی و باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی را تأیید کردند؛ یعنی رابطه روان بنه های ناسازگار و باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی در گروه دینداری بالا قویتر است.

عمرانی، جمهری و احدی(۱۳۹۸) به پیش بینی سازش زناشویی بر اساس انتظارات زناشویی با تأثیر تعارض های زناشویی پرداختند. یافته ها نشان داد که مدل مناسب بوده و تأثیر انتظارات زناشویی بر تعارض های زناشویی و سازگاری زناشویی دانشجویان مستقیم و معنی دار بوده است. انتظارات زناشویی با میانجی تعارض زناشویی بر سازش زناشویی دانشجویان تأثیر غیرمستقیم و معنی داری گذاشته است.

ضابطی و اشکانی(۱۳۹۶) به پیش بینی دزدگی زناشویی زوجین بر مبنای تعارض زناشویی و سبک دلبستگی پرداختند. نتایج پژوهش حاضر بیانگر آنست که تعارض زناشویی به طور مثبت و معنی دار پیش بینی کننده دزدگی زناشویی زوجین بوده است. از بین سبک های دلبستگی، سبک اجتنابی و اضطرابی به صورت مثبت و معنی دار و سبک ایمن به صورت منفی و معنی دار پیش بینی کننده دزدگی زناشویی زوجین بوده اند.

برهانی زاد و عبدی(۱۳۹۶) به تأثیر ابعاد مثلث تاریک شخصیت در پیش بینی صمیمیت و نگرش به خیانت زوجین متقاضی طلاق پرداختند. نتایج همبستگی و رگرسیون نشان داد که بین صمیمیت با ابعاد مثلث تاریک شخصیت رابطه ی معکوس وجود دارد. ابعاد سایکوپاتی و نارسیسم توانستند ۱۸ درصد از تغییرات صمیمیت را پیش بینی کنند. همچنین بین نگرش به خیانت و ابعاد مثلث تاریک شخصیت رابطه ی معنی دار بدست آمد. نتیجه پژوهش نشان داد که بعد ماکیاولی و خودشیفته ۱۷ درصد از تغییرات نگرش به خیانت را پیش بینی می کند. نتایج از این امر حمایت می کند که میزان ابعاد مثلث تاریک شخصیت انسان شامل سه بعد ماکیاولی، سایکوپاتی و خودشیفتگی، بر میزان صمیمیت زناشویی و همچنین بر میزان نگرش به خیانت زوجین متقاضی طلاق، مؤثر است.

## ۲-۵-۱: تحقیقات خارجی

در نتیجه تحقیق آیسال<sup>۹</sup>(۲۰۲۱) آمده سه جنبه تاریک شخصیت می توانند منجر به عدم صمیمیت زناشویی و ناسازگاری زناشویی در زوجین شوند. هارین، گوین و بنگارت<sup>۱۰</sup>(۲۰۲۰) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند سه صفت تاریک با تعارضات ارتباطی زوجها رابطه مثبت معنی دار دارند. در این بین، بعد ماکیاولیسم و ضداجتماعی سهم بیشتری در پیش بینی تعارضات ارتباطی زوجین داشتند.

<sup>۹</sup>. Uysal

<sup>۱۰</sup>. Horan, Guinn & Banghart

سیرین و دنیز<sup>۱۱</sup> (۲۰۲۰) در تحقیق خود نشان دادند از میان مؤلفه‌های سه‌گانه تاریک شخصیت شوهران، مؤلفه‌های جامعه‌ستیزی و ماکیاولیایی به صورت مثبت دلزدگی زناشویی زنان را پیش‌بینی می‌کنند.

نتایج پژوهش مایور<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۸) نشان داد که مستقیم باورهای غیرمنطقی با سازش یافتگی زناشویی است معنی‌دار و منفی است. شویتا<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۷) ضمن پژوهشی درباره سازگاری زناشویی در میان زوجین مراقبت در ارتباط با سن به این نتیجه رسیدند که عوامل بسیاری از جمله سن، انتظارات و تعارضهای زناشویی در سازگاری زناشویی تأثیر مؤثر دارند.

## ۲- روش شناسی :

### ۲-۱: روش تحقیق

روش تحقیق حاضر کمی و توصیفی و از دسته تحقیقات همبستگی بوده است.

### ۲-۲: جامعه آماری

جامعه آماری مشتمل بر همه دارای تعارض زناشویی و شاغل مراجعه کننده به مراکز مشاوره خانواده شهر دلفان در فروردین و اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۱ با تعداد ۳۲۰ نفر بوده است.

### ۲-۳: حجم نمونه و شیوه نمونه گیری

جهت تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که مطابق آن ۱۷۵ نفر برآورد گردید و افراد نمونه به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

$$n = \frac{\frac{(t)^2(Pq)}{(d)^2}}{1 + \left[ \frac{1}{N} \left( \frac{(t)^2(Pq)}{(d)^2} - 1 \right) \right]} = \frac{\frac{(1.96)^2(0.5 \times 0.5)}{(0.05)^2}}{1 + \left[ \frac{1}{N} \left( \frac{(1.96)^2(0.5 \times 0.5)}{(0.05)^2} - 1 \right) \right]} = x$$

### ۲-۴: ابزار جمع آوری داده‌ها

۱. پرسشنامه ناسازگاری زناشویی: این پرسشنامه را اسپانیل (۱۹۷۶) ساخته که دارای ۳۲ پرسش است و در کل سازگاری زناشویی زوجین

11. Sirin & Deniz

12. Mayor

13. Shweta

را سنجش می‌کند. نحوه نمره‌گذاری آن بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای و نمرات این پرسشنامه از صفر تا ۱۵۰ متغیر است. کسب نمره بالاتر یا برابر با ۱۰۰ به معنی سازگاری زناشویی و نمره کمتر از ۱۰۰ به معنای وجود مشکلی در روابط زناشویی و ناسازگاری و عدم تفاهم خانوادگی است.

#### ۵-۲: روایی و پایایی: اسپانیر (۱۹۷۸) پایایی ۰/۹۶ را از طریق ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس بدست آورد. شارپلی و کروس

(۱۹۸۲) ضریب پایایی پرسشنامه را ۰/۹۶ گزارش کردند، در ضمن آنها استفاده از این مقیاس را به دلیل پایه‌های روان‌سنجی مناسب آن در مقایسه با سایر مقیاس‌ها توصیه کرده‌اند (حسن‌شاهی، ۱۳۷۸). پایایی به دست آمده را حسن‌شاهی (۱۳۷۸) با استفاده از روش‌های تصنیف برابر ۰/۹۶ و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ برآورد کرد. که این پایایی در پژوهش شارپلی و کروس<sup>۱۴</sup> (۱۹۸۲) تأیید شد. در پژوهش دیگری که بوسیله اسپانیر و تامپسون<sup>۱۵</sup> (۱۹۸۲) انجام گرفت، همسانی درونی بدست آمده با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ محاسبه شد. در ایران ملازاده (۱۳۸۱) اعتبار مقیاس را با روش بازآزمایی ۰/۸۶ و با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ و روایی همزمان آن با پرسشنامه سازگاری زناشویی لاک والاس برابر ۰/۹۰ گزارش نمود. در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۵ به دست آمد.

#### مقیاس تعارضات زناشویی: ثنایی ذاکر و براتی (۱۳۸۷) با هدف سنجیدن هفت بعد اصلی تعارضات زوجین این پرسشنامه را تدوین کردند.

پرسشنامه شامل ۴۲ پرسش بوده بر مبنای تجربیات بالینی استاد راهنمای پژوهش ساخته شده است. این ابزار هفت جنبه یا هفت بعد از تعارضات زناشویی را اندازه می‌گیرد که عبارت اند از:

کاهش همکاری	سؤالات ۳، ۲۷، ۲۱، ۱۹، ۹
کاهش رابطه جنسی	سؤالات ۴، ۱۰، ۱۵، ۲۸، ۳۳
افزایش واکنش‌های هیجانی	سؤالات ۵، ۱۱، ۱۶، ۲۲، ۲۹، ۳۴ ۳۹، ۴۱
افزایش جلب حمایت فرزند	سؤالات ۷، ۱۸، ۲۴، ۳۱، ۳۶
افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود	سؤالات ۶، ۱۲، ۱۷، ۲۳، ۳۰، ۳۵
کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان	سؤالات ۱ و ۱۹، ۲۵، ۳۷، ۴۰، ۴۲
جدا کردن امور مالی از یکدیگر	سؤالات ۲، ۸، ۱۳، ۲۰، ۲۶، ۳۲، ۳۸

نمره گذاری به این صورت است که برای هر پرسش پنج گزینه در نظر گرفته شده که به تناسب ۱ تا ۵ نمره به آنها اختصاص داده شده است.

<sup>14</sup> Sharply&Cross

<sup>15</sup> Spannier&Thompsonal



حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۱۰ و حداقل آن ۴۲ است. حداکثر نمره هر خرده مقیاس مساوی با تعداد پرسش‌های آن خرده مقیاس ضربدر ۵ است. در این ابزار نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر است (ثنایی‌ذاکر، ۱۳۸۹). پرسشنامه تعارضات زناشویی از روایی محتوایی خوبی برخوردار است. در مرحله تحلیل مواد آزمون پس از اجرای مقدماتی و محاسبه همبستگی هر پرسش با کل پرسشنامه و مقیاس‌های آن، ۱۳ پرسش از ۵۵ پرسش اولیه حذف شده است (ثنایی، ۱۳۸۹). در پژوهش خزایی (۱۳۸۵) نمرات تمامی مؤلفه‌های پرسشنامه تعارضات زناشویی از ۰/۳۱ تا ۰/۸۲ با نمره کل تعارضات زناشویی در سطح ۰/۰۱ همبستگی معنی‌داری داشتند. دهقان در تحقیق خود برای هنجاریابی پرسشنامه تعارضات زناشویی روی یک گروه ۳۰ نفری بررسی انجام داده و از روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۱ و برای هفت مؤلفه‌ی آن به ترتیب کاهش همکاری ۰/۷۳، کاهش رابطه جنسی ۰/۶۰، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۴، افزایش جلب حمایت فرزندان ۰/۸۱، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۶۵، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۸۱ و جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۶۹ به دست آمده است.

### ۲-۶: روش‌های آماری

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ و دو روش توصیفی و تحلیلی استفاده شد. در مرحله آنالیز داده‌ها نیز از دو روش آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده، برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های رگرسیون خطی چندگانه و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

### ۳- بحث درباره یافته‌ها

#### نتیجه سنجش متغیرهای تحقیق

#### ۳-۱: ناسازگاری زناشویی

اطلاعات مربوط به ناسازگاری زناشویی آزمودنی‌ها پژوهش حاضر به شرح زیر بوده است:

#### توزیع فراوانی ناسازگاری زناشویی آزمودنی‌ها

ناسازگاری زناشویی	تعداد	درصد	درصد تراکم
کم	۲۹	۱۶/۶	۱۶/۶
متوسط	۸۲	۴۶/۹	۶۳/۴
زیاد	۵۸	۳۳/۱	۹۶/۶
خیلی زیاد	۶	۳/۴	۱۰۰
جمع	۱۷۵	۱۰۰	

بر طبق اطلاعات جدول ۴-۴ ناسازگاری زناشویی ۲۹ نفر (۱۶٪/۶) از آزمودنی‌ها کم، ۸۲ نفر (۴۶٪/۹) متوسط؛ ۵۸ نفر (۳۳٪/۱) زیاد و ۶ نفر (۳٪/۴) خیلی زیاد بوده است.

#### تعارضات زناشویی آزمودنی‌ها

اطلاعات مربوط به تعارضات زناشویی آزمودنی‌ها در جدول زیر آمده است:

جدول ۴-۷. توزیع فراوانی تعارضات زناشویی آزمودنی‌ها

تعارضات زناشویی	تعداد	درصد	درصد تراکمی
کم	۱۸	۱۰/۳	۱۰/۳
متوسط	۹۰	۵۱/۴	۶۱/۷
زیاد	۶۱	۳۴/۹	۹۶/۶
خیلی زیاد	۶	۳/۴	۱۰۰
جمع	۱۷۵	۱۰۰	

بر طبق اطلاعات جدول ۴-۶: تعارضات زناشویی ۱۸ نفر (۱۰٪/۳) از آزمودنی‌ها کم، ۹۰ نفر (۵۱٪/۴) متوسط؛ ۶۱ نفر (۳۴٪/۹) زیاد و ۶ نفر (۳٪/۴) خیلی زیاد بوده است.

بین تعارضات زناشویی با ناسازگاری زناشویی زنان شاغل در حال طلاق ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

جهت آزمون این فرضیه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. در

جدول زیر نتایج به دست آمده از آزمون این فرضیه نشان داده شده است:

جدول ۴-۱۴: سنجش ارتباط بین تعارضات زناشویی با ناسازگاری زناشویی زنان شاغل در حال طلاق با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون

ناسازگاری زناشویی		متغیرها	
s.e	$\bar{x}$		
۱۲/۳۹	۹۷/۵۷		
P.Value	r	$\bar{x}$	تعارضات زناشویی
**۰/۰۰۱	۰/۷۹۷	۱۲۷/۲۳	
		۵/۹۱	s.e

نتایج جدول فوق که به بررسی ارتباط بین تعارضات زناشویی با ناسازگاری زناشویی زنان شاغل در حال طلاق شهر بروجرد پرداخته نشانگر آن است که بین متغیرهای رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد و این بدان معناست که هرچه تعارضات زناشویی زنان شاغل در حال طلاق قوی‌تر باشد، ناسازگاری آنان نیز افزایش می‌یابد چرا که مقدار ۲ به دست آمده برابر با (۰/۷۹۷) و مثبت بوده و در سطح معنی‌داری قابل قبول (۰/۰۰۱) و  $P < ۰/۰۵$  و  $P = ۰/۰۰۵$  بوده است. بنابراین این فرضیه مورد تأیید قرار می‌گیرد. یعنی:

بین تعارضات زناشویی با ناسازگاری زناشویی زنان شاغل در حال طلاق رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

## ۴- نتیجه گیری

بین تعارضات زناشویی با ناسازگاری زناشویی زنان شاغل در حال طلاق ارتباط معنی داری وجود دارد.

نتیجه بدست آمده از این فرضیه که به بررسی ارتباط بین تعارضات زناشویی با ناسازگاری زناشویی زنان شاغل در حال طلاق شهر بروجرد پرداخته نشانگر آن است که بین متغیرهای رابطه معنی دار و مثبت وجود دارد و این بدان معناست که هرچه تعارضات زناشویی زنان شاغل در حال طلاق قوی تر باشد، ناسازگاری آنان نیز افزایش می یابد چرا که مقدار ۲ به دست آمده برابر با (۰/۷۹۷) و مثبت بوده و در سطح معنی داری قابل قبول (۰/۰۰۱ و  $P=0/006$  و  $P<0/05$ ) بوده است. بنابراین این فرضیه مورد تأیید قرار می گیرد. یعنی: **بین تعارضات زناشویی با ناسازگاری زناشویی زنان شاغل در حال طلاق رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.**

نتیجه تحقیقات علی بکیان و افشاری نیا (۱۳۹۹)، اسدیپور، کریمی و امینی (۱۳۹۹)، عمرانی، جمهری و احدی (۱۳۹۸)، ضابطی و

اشکانی (۱۳۹۶)، هارین، گوین و بنگارت<sup>۱۶</sup> (۲۰۲۰) و شویتا<sup>۱۷</sup> (۲۰۱۷) با نتیجه فوق همسو بوده و آن را تأیید می نمایند.

تعارض زناشویی نوعی ارتباط زناشویی است که در آن رفتارهای خصومت آمیزی همچون تحقیر، سرزنش، انتقاد، بی احترامی، توهین، پرخاشگری کلامی و فیزیکی وجود دارد و زوجین در آن نسبت به یکدیگر احساس خشم، کینه و نفرت دارند و همچنین هر یک از طرفین معتقد هستند که «همسرش، فردی ناسازگار بوده و باعث رنجش و ناراحتی او می شود». با این حال باید گفت که تعارض جزء جدا نشدنی روابط زناشویی است و اگر به شکل مناسبی مدیریت و حل نشود، آثار مخربی برای زوجین و فرزندان داشته و باعث ناسازگاری و در موارد بسیاری موجب طلاق زوجین می گردد.

## پیشنهادات :

۱- به پژوهشگران آتی پیشنهاد می شود چنین تحقیقی را به روش علی - مقایسه ای در بین مردان و زنان دارای تعارضات زناشویی انجام دهند.

<sup>16</sup>. Horan, Guinn & Banghart

<sup>17</sup>. Shweta

۲- در تحقیقات آتی به جای استفاده از پرسشنامه از روش مشاهده و مصاحبه برای سنجش میزان سازگاری زناشویی استفاده کنند.

#### منابع

#### الف) منابع فارسی

- اتکنیسون، ریتا. (۲۰۰۱). زمینه روانشناسی. ترجمه‌ی دکتر نقی براهنی. (۱۳۸۸). تهران: انتشارات رشد.
- اسدیپور، اسماعیل؛ کریمی، اصغر؛ امینی، مریم. (۱۳۹۹). بررسی رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تعارض و دلزدگی زناشویی در پرستاران زن. مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی. ۱۲(۳):۲۳-۳۰.
- افروز، غلامعلی. (۱۳۹۶). مبانی روان‌شناختی تحکیم خانواده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اولسون، دیوید، اچ و همکاران. (۱۳۸۸). مهارت‌های ازدواج و ارتباط زناشویی کارآمد. ترجمه‌ی احمدرضا بحیرایی و نادر فتحی، تهران: انتشارات روان‌شناسی و هنر.
- براتی، طاهره. (۱۳۹۸). تأثیر تعارضات زناشویی بر روابط متقابل زوجین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.
- برک، لورای. (۲۰۰۳). روان‌شناسی رشد. ترجمه یحیی سیدمحمدی، (۱۳۸۷). تهران: نشر ارسباران.
- برهانی‌زاد، شبنم؛ عبدی، رضا. (۱۳۹۶). تأثیر ابعاد مثلث تاریک‌شخصیت در پیش‌بینی صمیمیت و نگرش به خیانت‌زوجین متقاضی طلاق. اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی(اندیشه و رفتار). ۱۱(۴۵):۱۷-۲۶.
- ترابی‌فر. فهیمه. (۱۳۹۲). بررسی علل تعارضات خانوادگی در زوجین در شرف طلاق. مطالعات زنان و خانواده، دوره چهاردهم، شماره ۱۱، ۲۱-۱۶.

#### منابع انگلیسی

- Ainsworth, M.D.S. (1988). Patterns of attachment: Assessed in the strange situation and at home. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Alan, C.A., & Demo, D.H.(2014). "Singlehood" marriage and remarriage: The effects of family structure and family relationships on mothers "well-being". Journal of Family Issues, 17, 386-407.
- Baldwin, S.(1994). Quality of life: Perspectives and Policies, New York: Rutledge.



- Baumeister, R. F., Bushman, B. J., Campbell, W. K. (2017). Self-esteem, narcissism, and aggression: Dose violence result low self esteem or from threatened egotism? *Current Direction of Psychology Science*9:26.29.
- Cassidy, J., Berlin, Q. (1994). *Handbook of Attachment: Theory, Research, and Clinical Applications*. New York: Guilford.
- Cassidy, J., Shaver, P.R. (2003). *Handbook of Attachment: Theory, Research, and Clinical Applications*. New York: Guilford. 1992.
- Cassidy, J. (2011). The nature of child's Ties. *Handbook of a Attachment, Theory, Research, and Clinical Applications*. New York: Guilford.
- Costanza, R.(2007). Quality of life: An approach integrating opportunities, human needs, and subjective well-being, *Ecological Economics*, 61(2-3).
- Fawerz, K., & Olsson, H.(1992). personal communication cited in Stanley, S.M.(2001). Making a case for Premarital Education. *Family Relations*,50,272-280.